

# کیلوئی نویسان محترم مفاهیم را مخدوش نکنید!

(در حاشیه اقدام اخیر دولت سرمایه داری کانادا)

## صبا راهی

قبل از هر چیز لازم به یادآوری: کسانی که با دیدگاه طبقاتی این قلم آشنایی دارند میدانند که این قلم ذره ای در ماهیت امپریالیستهای درنده خود شک ندارد؛ ذره ای در ماهیت رژیم های نوکر امپریالیستها مثل رژیم اسلامی در ایران توهم ندارد. امپریالیستها رژیم اسلامی تروریست پیشه هم‌تاک اسراییل تروریست پیشه را بر مسند قدرت نشانند؛ یک روز برای فریب افکار عمومی جهان تروریستش میخوانند یک روز دیگر برای بیشتر امتیاز گرفتن از آن یعنی چپاول دسترنج کارگران و زحمتکشان با آن در مورد اورانیوم غنی شده لاس میزنند... در این گیر و دار در کشورهایی که دیکتاتوری مطلق عریان در قدرت است مثل ایران، پناهنده های جورواجور به کشورهای غربی سراریز میشوند. بخصوص پناهنده های سیاسی که خود رژیم به خارج "صادر" میکند تا به شغل شریف جاسوسی برای رژیم مشغول شوند.

این قلم به هیچ وجه در ماهیت دادگاه های رنگارنگ "غربی" (بخوان امپریالیستها) توهم ندارد و به آنها برای مجازات جنایتکارانی که قتل عام زندانیان سیاسی را در ایران براه انداختند دخیل نمی بندد، و برای سازمان ملل هم که پیشبرنده سیاست های تجاوزکارانه امپریالیسم فلدآمریکا است تره خورد نمیکند.

اما پناهنده سیاسی کیست؟

آیا کسانی که در صف رای دادن به جانان جمهوری اسلامی (تمام جناح و دسته های آن) جلوی سفارت خانه یا کنسولگری ها می ایستند پناهنده سیاسی محسوب میشوند؟

آیا کسانی که به یکی از دو جناح جنایتکار رژیم رای میدهند می تواند پناهنده سیاسی باشد؟

پناهنده سیاسی کسی است که مخالف حکومت حاکم بر کشورش است؛ بر علیه سیاستهای حکومتی که در کشورش حاکم است مانند حکومت اسلامی وابسته به امپریالیسم، مبارزه میکند.

پناهنده سیاسی فردی است که بدلائل مختلف جاننش در بازگشت به کشورش در خطر است. به همین دلیل است که به کشور دیگری پناه میبرد. و تا زمانی که در کشورش خطر دستگیری، شکنجه و کشتن او وجود دارد؛ در اصل تا زمانی که دولتی که فرد از دست ظلم های او فرار کرد بر مسند قدرت است بازگشت به کشورش به معنای به خطر انداختن جاننش را دارد.

**پناهنده سیاسی کسی است که وقتی به کشور امن پناهنده شد در آنجا به مبارزه خود بر علیه حکومت حاکم در کشورش در جهت سرنگونی آن ادامه میدهد.**

اما، آیا واقعا همه پناهندگانی که پاسپورت سیاسی میگیرند چنین میکنند؟ چند در صد آنها در تظاهرات های ضد رژیمی و سرنگونی رژیم مدام شرکت میکنند؟

چند نفر پناهنده سیاسی می شناسید که به کشور رفت و آمد میکنند؟ آیا وقتی وارد ایران میشوند در همان مرز جلوی آنها گرفته نمیشود؟ آیا از آنها در مورد دیگر پناهندگان "جاسوسی" نمیشود؟

آیا رفت و آمد پناهنده سیاسی به کشورش به معنای "امن بودن" کشورش نیست؟ اگر فردی از اعتبار پناهندگی سیاسی در کشور دیگری استفاده کرد آیا باید "ننه منم غریبم" در آورد و به کشورش سفر کند؟ گویی که این عده فقط خواهر و مادر و پدر و برادر دارند که از دنیا میروند و باید آنها برای دیدنشانشان به ایران سفر کنند و آنهایی که بنا به باورهای سیاسی شان به ایران نمیروند از زیر "بُته" بعمل آمده اند!

**هر پناهنده سیاسی که به ایران سفر میکند با هر بار سفر خود به رژیم هار اسلامی در ایران امتیاز بین المللی میدهد. همین امتیاز را دولت آلمان چندین سال پیش از آن استفاده کرده بود و پاسپورت های پناهندگان سیاسی یی که به ایران سفر کرده بودند را روی میز ریخته بود و گفته بود اگر این**

**ها(پناهندگان سیاسی) می گویند ایران امن نیست پس چطور به ایران سفر کرده اند پس ایران امن است و ما دیگر به کسی پناهنده سیاسی نمیدهیم.**

ایران با وجود حکومت اسلامی وابسته به امپریالیستها با تمام دسته ها و جناح هایش به هیچ وجه کشور امنی برای **پناهندگان واقعی سیاسی** نیست!

قرار نیست که عده ی زیادی که در ایران اتفاقا وضع مالی خوبی هم دارند به کشورهای غربی بیایند و از امکانات رفاهی آنجا استفاده کنند؛ این افراد هم کم نیستند، خانه هایشان در شمال شهر تهران و اتفاقا حامی رژیم از نوع "سبز لجنزار" آن هم هستند، خب اینها قرار است که مدام بروند و بیایند و دلارهایشان را در بازار آزاد بفروشند و خانه هایشان را اجاره دهند ... مگر کارگران ایران که خیلی هایشان ماه ها حقوق نمیگیرند از نظر مالی قادر هستند که به خارج بروند و پناهنده شوند؟ یک مشت خرده بورژوازی مسموم از حقوق پناهندگی سیاسی بهره مند میشوند که تازه طرفدار جناح دیگر رژیم جانی اسلامی هستند.

کارگران و زحمتکشان و محرومان هر روز در تنگناهای بیشتری در حکومت ددمنش سرمایه داری اسلامی وابسته به امپریالیسم قرار میگیرند و آنوقت این عده "باید" به ایران سفر کنند و در داخل و خارج پای صندوق های رای جمهوری اسلامی هم بروند! واقعا که دهن کجی به پناهنده سیاسی از این بیشتر نمی شود!

**خیر! من با سفر پناهندگان سیاسی به ایران بشدت مخالفم! سفر به ایران پناهنده سیاسی یعنی مهر تایید بر امن بودن رژیم جنایتکار با تمام دسته ها و جناح هایش کوبیدن! یعنی عمر رژیم جنایت زای قرون وسطایی را طولانی تر کردن!**

این پناهندگان اگر خیلی دلشان برای فک و فامیل و اقوامشان در ایران میسوزد و تنگ میشود دندان روی جگر بگذارند، در خارج از ایران متشکل شوند به سازمانهای سیاسی اپوزیسیون مورد علاقه شان بپوندند و تظاهرات های میلیونی براه بیندازند و ماهیت رژیم را به **افکار عمومی جهان** بنمایانند! نه اینکه با پاسپورت پناهنده سیاسی و چمدانهای پر از سوغاتی عازم ایران شوند و عمه و خاله و در و همسایه را ببینند و پر دهند!

پر روشن است که مخالفت من با سفر پناهندگان سیاسی به ایران به معنای تایید سیاست های جنایتکارانه دولت هایی مانند کانادا یا شرکای آن نیست!

البته از کیلویی نویسان که مدام مساوات طلبی و برابری و انسانیت را چاشنی فله نویسی شان میکنند نمی توان انتظار داشت که بجای "توقع" از دولتهای حامی سرمایه داری جهانی (مثل کانادا) از خودشان توقع داشته باشند که مفاهیم سیاسی را مخدوش نکنند! به عبارتی مفاهیم را از بار سیاسی آن تهی نکنند!

بسیار ساده است کسی که **پناهنده سیاسی** شد جانش در بازگشت به کشورش در خطر است! حالا چطور است که عده ای میروند و جانشان در خطر نمی افتد!!!!

و عده ای هم میروند و رفتند و در ایران ناپدید شدند و می شوند...

مارس دوهزار و پانزده - اسفند هزار و سیصد و نود و سه